

## #عناستانی

یگانه خدای  
خبرنگار



امروز هم مهم‌ترین موضوع مورد بحث در شبکه‌های اجتماعی همچنان سیلی زدن نماینده مجلس به سرباز پلیس راهور بود. این بار بیشتر کاربران به ویدیویی که عناستانی نماینده مجلس به عنوان عذرخواهی منتشر کرد پرداختند. هرچند که خیلی‌ها با اشاره به مطالب منتشر شده در سایت او و استوری‌های اینستاگرامش معتقد بودند این ویدیو عذرخواهی نیست: «فیلم عذرخواهی وقتی قابل قبول بود که همراه با قرائت متن استعفا باشد»

«کاش این آقای عناستانی به قول خودش به حرف دلسوزان گوش میداد و همون ویدیو روهم پُر نمی‌کرد. بدتر از ویدیو و عذرخواهی نکردنش از سرباز، این مجموعه استوری بود. ظاهراً همه مقصود غیر از خودش»

«عناستانی ته فیلم عذرخواهی‌اش گفت اگر ماجرا اون جوری بود که رسانه‌ها گفته‌ان که بلافاصله بعد از اون اتفاق استعفا می‌کردم. تمام مطالب رسانه‌ها که اثبات شد پس یادتون باشه»

«عناستانی توی ویدیو به ادعا میکنه توی سایت به ادعای دیگه»

«آنچه آقای عناستانی را مجبور به عذرخواهی کرد نه ساختار قانونی بلکه همراهی و همدلی مردم با سرباز اکبری و اعلام انزجار از رفتار صورت گرفته با او بود و قطعاً عذرخواهی رافع مسئولیت کیفری نیست. جناب دادستان وظیفه را فراموش نکنند»

«ویدیوی مربوط به عذرخواهی عناستانی را حذف کردم چون به اشتباه نوشته بودم عذرخواهی از مردم و سرباز راهور در حالیکه در ویدیو از مردم عذرخواهی کرده بود و از سرباز راهور عذرخواهی نکرده بود علاوه بر آن در سایتش همان حرف‌ها را علیه سرباز اکبری تکرار کرده است»

«عذرخواهی ظاهری است؛ به سایتش بروید و ببینید چه چیزایی نوشته و طلبکار است از آن سرباز و ربطش داده به ضد انقلاب و... گلیه هم دارد که چرا با سرباز برخورد نشده»

«نه جناب عناستانی، قبول نیست. فیلم که درآمد، دیدی دیگه نمی‌شه پیچوند، رقابت گفتند عذرخواهی کن تا آبروی مجلس انقلابی بیشتر از این نره. این «عذرخواهی» از سرناچاری واضطرار است نه صداقت»

«این فیلم عذرخواهی نیست؛ منت‌گذاری بر ملت و تأکید بر جایگاه متفاوت خودش است. عناستانی جرمی مرتکب شده که زندان دارد.

کنجکاوم واکنش مجلس را در مواجهه با قانون و افکار عمومی ببینم»

«اگر همان روز درگیری عذرخواهی می‌کرد یا اگر بعد از انتشار خبر به جای انکار مسأله برای دلجویی از سرباز اقدام می‌کرد، کار به اینجا نمی‌رسید که از شهید بهشتی هزینه کند و پاسخ تندی از مردم بگیرد یا با انتشار فیلم درگیری توسط پلیس، عدم صداقتش آشکار شود! خلاصه خودکرده را تدبیر نیست»

«مگه عناستانی نگفته بود اول که من اصلاً بیرون نیومدم از ماشینم؟ بعدش مگه نیومدم بگه من نزد توی گوشش فقط هلش دادم؟ الان چی شد ویدیو عذرخواهی داده؟»

«عناستانی اومده عذرخواهی کنه باز گفته: بهم توهین شد عصبانی شدم. یعنی شما ببین حتی یه عذرخواهی رو هم بلد نیست درست انجام بده، بیا بگو تو ماشین که نشسته بودی چرا پیچیدی تو لاین ویژه اصلاً؟ پشت تلفن بهت توهین شد عصبانی شدی پیچیدی تو لاین ویژه؟»



عباس صفاری، شاعر و نویسنده در ۶۹ سالگی  
به دلیل ابتلا به کرونا در کالیفرنیا درگذشت

## کبریت خیس



عباس صفاری، شاعر، نویسنده و مترجم نام‌آشنای ایران بر اثر ابتلا به کرونا در کالیفرنیا درگذشت.

شایسته صفاری، خواهر عباس صفاری امروز در گفت‌وگو با ایسنا خبر داد: «برادرش پیش از این بیماری ریوی داشت اما مدتی پیش به کرونا مبتلا شد، البته گفتند که خوب شده و او در خانه بود. اما ریه‌هایش هنوز درگیر بود و آسیب دیده بود و چون از پیش هم بیماری ریوی داشت، مجدداً حالش وخیم شد.»

عباس صفاری چندی پیش در گفت‌وگویی از ابتلای خود، خانواده و حتی نوه سه ساله‌اش به ویروس کرونا خبر داده و گفته بود که چند هفته‌ای با این بیماری درگیر بوده و روبه بهبود رفته است. عباس صفاری که هنگام مرگ ۶۹ سال داشت، سال ۱۳۳۰ در یزد زاده شد. صفاری با ترانه «اسیر شب» در دهه ۵۰ که با صدای فرهاد مهراد پخش شد، ترانه‌سرایی را آغاز کرد، بعدها به هنرهای تجسمی که رشته تحصیلی‌اش بود گرایش یافت و همزمان به شعر می‌پرداخت. حاصل این تلاش‌ها اولین مجموعه شعرش «در ملتقای دست و سیب» بود که برایش

**عباس صفاری که  
هنگام مرگ ۶۹ سال  
داشت، سال ۱۳۳۰ در  
یزد زاده شد. صفاری  
با ترانه «اسیر شب» در  
دهه ۵۰ که با صدای  
فرهاد مهراد پخش شد،  
ترانه‌سرایی را آغاز  
کرد**

در بابل» (مجموعه‌ای از خاطرات و تکیه‌نگاری‌ها)، «ملاقات در سندی‌کای مومیاگران»، «عروس چوپان‌ها» (داستان منظوم از ازدواج اینانا با دموزی - ترجمه)، «مثل خواب دم صبح»، «پشیمانم کن» و... اشاره کرد. شمس لنگرودی امروز در گفت‌وگویی درباره چرایی اینکه عباس صفاری برخلاف دیگران پس از رفتن از ایران و در غربت بیش از پیش در ایران مطرح و شناخته شد، گفت: «از خودش هم که می‌پرسیدم، می‌گفت خودش هم نمی‌داند. اما من تصورم این است دلیل این داشتن زندگی قابل قبول و گرم و نیز داشتن خلوت با خود بود. همسر امریکایی‌اش بسیار همسر خوبی بود، همدل و همراه عباس صفاری بود، ضمن اینکه فارسی هم بلد بود. بنابراین به نظرم علت این امر داشتن خانواده گرم و صمیمی بود و دیگر اینکه عباس تقریباً کاری به کار هیچ‌کس نداشت و خلوت خودش را داشت. او در خانه‌اش یک آرشیو بزرگ دوربین عکاسی و ساعت داشت، مرتب سرگرمی داشت و نیازی نداشت در جمع دیگران باشد تا خودش را کامل کند. داستان معروفی هست که «خواجه می‌بینم که تنها نشسته‌ای، می‌گویند: چون درآمدی تنها شدم»، خیلی وقت‌ها وقتی کسی

پیش او می‌رفت راضی نبود. وی درباره روزهای پایان عمر عباس صفاری و کارهای ناتمام این هنرمند نیز اظهار داشت: او چندسالی مشغول نوعی نقاشی روی چوب، شیشه و... بود، آنها را برای من هم می‌فرستاد و تصمیم داشت که بعداً نمایشگاهی برگزار کند. آن کار احتمالاً ناتمام مانده و به طرز عجیبی هم به شعرهای باستان ملل علاقه داشت و در سال‌های آخر عمرش آنها را ترجمه می‌کرد. تعدادی از آنها را هم انتشارات مروارید چاپ کرد اما تصور می‌کنم که این شعرها هم ناتمام ماند.

جایزه شعر ادبی باران را به ارمغان آورد. در دهه‌های بعد صفاری با اشعار خود جایگاه برجسته‌تری در شعر معاصر ایران پیدا کرد. با مجموعه‌هایی مانند «دوربین قدیمی» یا «کبریت خیس» که این دومی جایزه شعر ادبی کارنامه را به خود اختصاص داد، توانست جایگاه مهمی در شعر معاصر ایران پیدا کند. از آثار دیگر او می‌توان «عاشقانه‌های مصر باستان» (ترجمه)، «کلاغنامه»، «کوچه فانوس‌ها» (ترجمه)، «خنده در برف»، «تاریک‌روشنا»، «مثل جوهر در آب» (برنده جایزه کتاب سال شعر خبرنگاران)، «قدم زدن